



فلسفه برای کودکان

فاطمه هادی زاده

سحر اکبرزاده

چکیده:

هدف برنامه فلسفه برای کودکان، رساندن کودکان و بزرگسالان به سطح دیگری از شناخت است. هدف این مقاله بررسی چستی و چگونگی "فلسفه برای کودکان" است. کودکان باید علاوه بر آگاهی از احساسات خود، از احساسات دیگران و همچنین نقش این احساسات در پذیرش عقیده یا تفکری نیز آگاه باشند.

در برنامه فلسفه برای کودکان هدف این نیست که محتواهای فلسفی یا نظریات فلسفی به کودکان آموخته شود بلکه میخواهیم روش تفکر فلسفی را به کودکان آموزش دهیم. و مهم ترین نقش را نویسندگان خلاق که برای کودکان کتاب می نویسند ایفا می کنند.

کودکان باید ذهن کنجکاو و پرسشگر خود را حفظ کنند تا نگاهی خلاق به مسائل داشته باشند. ما با استفاده از آموختن غیرمستقیم تفکر فلسفی به کودکان، می خواهیم ذهن پرسشگر و کنجکاو آنها را حفظ کنیم تا در برخورد با مسائل مختلف، از این روش بهره بگیرند. هدف، آموختن گزاره های فلسفی یا دادن پاسخ به سوالات فلسفی کودکان نیست زیرا این روش کودکان را منفعل می کند؛ بلکه هدف، آموختن روش تفکر فلسفی به کودکان است تا خود در یافتن پاسخ سوالاتشان فعال باشند.

کلید واژه: فلسفه، کودکان، روش تفکر، پیشینه، رویکردها، مبانی، ارزشیابی، فواید، موانع، شیوه کار



مقدمه:

مهمترین هدف آموزش و پرورش نوین ایجاد تغییرات شناختی، عاطفی و رفتاری نسبتاً پایدار در زندگی شاگردان است تا آنها بتوانند از نهایت استعداد و توانایی خود در زندگی بهره گیرند.

با توجه به این مهم در سالهای اخیر متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی توانایی شاگردان در امر تفکر، ابراز نگرانی کرده و تلاش خود را معطوف به ارتقای مهارت های فکری شاگردان نموده اند. فلسفه عمیق ترین شکل تفکر بشر و کودکان فیلسوف ترین موجودات روی زمین اند. این خصیصه را در آغاز زندگی چهار سالگی با کنجکاوی های خود به نمایش می گذارند. فلسفه از حیرت آغاز می شود کودکان حیرت زده ترین افراد در برابر پدیده های عادی هستند، کودکان به خاطر ویژگی های بالقوه ای که دارند و مهمترین آنها پرسشگری است، به فیلسوفان کوچک تعبیر می شوند.

اما برنامه های آموزشی فعلی نتوانسته اند اندیشیدن، پرسیدن و درست انتقاد کردن را در دانش آموزان ارتقا دهند. اگر کودکان هنگام اشتغال به تحصیل نتوانسته اند اندیشیدن، با هم اندیشیدن به صورت گروهی و باهم کار کردن را بیاموزند، چگونه می توانند به یادگیری ادامه دهند و در جامعه قدم بگذارند. (گریگوری، ۱۴۰۰)

مبنای نظری فلسفه برای کودکان:

فلسفه برای کودکان برنامه ای است که با هدف آموزش استدلال و مهارت های تفکر به کودکان ارائه شده است و سعی دارد بتواند تأثیری مثبت و ارزشمند بر چگونگی تفکر کودکان و نوجوانان داشته باشد. در برنامه فلسفه برای کودکان تلاش می شود که کودکان تا جایی که ممکن است بین مفاهیم رابطه برقرار



سازند. روابط و همبستگی ها را کشف کنند و بتوانند ساختارهای را در این فهم و شناخت به وجود آورند . لازمه رشد فکری، باز بودن دریچه های فکری ، گستردگی و گشودگی افق اندیشه و انعطاف پذیری است تا در این مبنا فرد توانایی بررسی اندیشه های گوناگون و حتی اندیشه هایی را که در تعارض هستند در خود دریابد.^۱

فلسفه برای کودکان یک روش تفکر مباحثه ای است که با پنجاه قرن نظرات فکری گوناگون ارتباط دارد.^۲

تاریخچه فلسفه برای کودکان

در اواخر دهه ۱۹۶۰ اولین بار توسط متیو لیپمن (استاد دانشگاه مونتیکلیر امریکا) مطرح شد. و متذکر شد که اگر هدف ما از آموزش تفکر انتقادی ، آموزش تفکر بهتر به افراد باشد، این کار مستلزم تعلیم ملاک ها ، موازین و قواعدی خواهد بود که فرد به واسطه آنها خودش قادر به ارزیابی تفکرات خود باشد. به بیان دیگر فقط تمرین های واقعی است که می تواند دانش آموزان متفکر بار آورد ، نه یاد گرفتن تعریف تفکر انتقادی و پرسشگری.

لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان برای بچه های دبستانی از رویکرد " مسئله مدار" استفاده می کند و معتقد است که استادان باید برای جلب علاقه شاگردان مطالبی را مطرح کنند که متضمن شک و شگفتی فکری است.^۳

پیشینه تاریخی فلسفه برای کودکان

برخی محققان تعلیم تفکر را به زمان جامعه ایران باستان باز می گردانند که آموزش به صورت بحث استاد و شاگرد بود در زمان سقراط این آموزش صورت ویژه ای که گفت و گو و پرسش است به خود

۱ . سیدکلان و خدیوی ۱۴۰۱

۲ فتحی و همکاران ۱۳۹۶

۳ طباطبایی و موسوی ۱۳۹۰



گرفت. به اعتقاد هنیز، یونان قدیم نخستین جامعه ای بود که در آن به دانش آموزان می آموختند که مستقل فکر کنند و مذاکره، مناظره و نقد کنند و طوطیوار از معلم های شان تقلید نکنند.

اما از آن طرف برخی بر آنند که ابوریحان بیرونی دانشمند مشهور ایرانی نخستین کسی است که با نگارش کتاب التفهیم که درباره آموزش مقدمات ریاضی و نجوم به کودک است و تقدیم آن به کودکی خیالی به نام ریحانه گام نخست در این عرصه را برداشت.

لیپمن گفت: چنانچه ذهن کودکان را درگیر مباحث فلسفی کنیم و کنجکاوی طبیعی آن را با فلسفه مرتبط سازیم می توانیم از آنان متفکرانی بسازیم که بیش از پیش نقاد، انعطاف پذیر و موثر باشد^۴

رویکرد های مربوط به فلسفه برای کودکان

۱. رویکرد فرایندی یا روشی: ویژگی های فلسفه به وسیله محتوا یا موضوعی که مورد مطالعه قرار می دهند توصیف نمی شود، بلکه توسط رویکرد یا روشی که استفاده می شود توصیف می شود. لیپمن روش فلسفیدن و پرسش های فزاینده را مورد توجه قرار داده است^۵

۲. رویکرد محتوایی: تاکید بر تاریخ فلسفه و محتوای فلسفه در قالب داستان مانند داستان حی بن یقظان. زیرا فهم برخی مطالب فلسفی برای بزرگسالان هم دشوار است چه رسد به کودکان. (همان)

۳. رویکرد مبتنی بر فلسفه و ادبیات: در آن به متون داستانی کهن به عنوان محتوای فلسفه تاکید دارد. در ادبیات هم می توان مضامین فلسفی را یافت و به خصوص در داستان های فلسفی که از ناخودآگاه نویسنده بر می آید...^۶

۴. رویکرد مبتنی بر زمینه فرهنگی: همانطور که عقل و منطق و زبان را یک محصول فرهنگی میدانیم، فلسفه در فلسفه برای کودکان چه به مثابه روش دیده شود و چه به مثابه محتوا، فرهنگ بنیان است. وجود جنبه های خاص فرهنگی موجب شد تا با استفاده از داستان های اولیه که توسط لیپمن به همکارانش در

^۴ . صادقی هاشم آبادی و علوی، ۱۳۹۳

^۵ . اکبری، جاویدی جعفرآبادی، شعبانی ورکی، تقوی، ۱۳۹۱

^۶ همان



آمریکا طراحی شده بود در سایر کشورها با انتقاداتی روبرو برو شود از جمله این منتقدان یسپرسن است که با نقد محتوای داستانی لیپمن استفاده از آن را برای سایر جوامع مناسب نمی داند.^۷

مبنای فلسفی برنامه فلسفه برای کودکان

لیپمن در مبنای فلسفه برای کودکان تحت تاثیر فلسفه های عملگرایی، فلسفه تحلیلی و روش دیالکتیک سقراط همراه با چاشنی هایی از تفکر انتقادی سقراط قرار گرفته و همچنین از روانشناسی اجتماعی لوویگوتکس روانشناس روسی درباره هوش زبانی کودکان تاثیر یافته است. مبنای فلسفه این برنامه با در نظر ریشه های فکری لیپمن در چهار بعد است:

۱. مبنای هستی شناسی

به مبنای کیهان ربط دارد نه متافیزیک. لیپمن به پرداختن به سوالات متافیزیکی توصیه نمی کند زیرا بسیار وسیع و دست نیافتنی ترین سوالات اند و ملموس و عینی نیستند و ما نمی توانیم آنها را به کار ببریم. از نظر لیپمن جهان پیچیده و آکنده از ابهام است و این باعث حیرت فلسفی کودکان میشود. کودکان تلاش می کنند تا در جهانی به تفکر پردازند که فهم ما از آن جهان پیچیده و اسرارآمیز است.^۸

۲. مبنای انسان شناختی

لیپمن با تأثیر از اندیشه اجتماعی جان دیویی و لو ویگوتسکی ۲۱ روان شناس اجتماعی روسی، در یک زمینه های زیستی فردی و اجتماعی به مطالعه کودکان میپردازد. به دیویی در برداشت، زیستی طبیعی و اجتماعی او از کودکان و اعطای نقش محوری به کودکان در ارتباط با اجتماعی که در آن زندگی میکنند گرایش دارد. از این رو اغلب داستان های فلسفی او برای کودکان پیرامون دو موضوع طبیعت ۲۲» و اجتماع ۲۳» تنظیم گردیده است. لیپمن تحت تأثیر مفروضات طبیعت گرایانه دیویی از طبیعت کودک همراه با بازسازی تجارب او در جهان طبیعی قرار گرفته است. انعکاس ماهیت زیستی و تکاملی انسان در برنامه

^۷ همان

^۸ (ستاری و ترازبانی ۱۴۰۰)



فلسفه برای کودکان را میتوان در دو داستان «کیو» ۲۴ و «گاس» ۲۵ که در موضوعات مختلف مربوط به طبیعت و محیط زیست تنظیم شده ملاحظه کرد. لیپمن به مباحث ویگوتسکی در نظریه تاثیر زبان اجتماعی فرهنگی در یادگیری کودکان و رشد زبانی آنان در ارتباط بین کودکان و جامعه و ارتباط بین زبان دنیای بزرگسالی و هوش در حال رشد کودکان علاقه نشان داده است که عملکرد یک مدرسه در جامعه این است که ویژگیها و ساختارهای جامعه را به کودکان بیاموزد و به آن ها کمک کند تا در مقابل آن به کمک هم و از طریق گفتگوی فلسفی در یک اجتماع پژوهشی عکس العمل نشان دهند.^۹

۳. مبانی معرفت شناختی

ریشه در مبانی معرفت شناختی فلسفه سقراط دارد. دیویی در کتاب ((ما چگونه فکر می کنیم؟)) به ((عمل کامل اندیشه)) اشاره می کند و منظورش از آن تفکری است که با عمل همراه باشد لذا تفکر منهای عمل که در فلسفه فلاسفه ای چون افلاطون و ارسطو وجود دارد از نظر او فاقد ارزش است.^{۱۰}

ارزشیابی برنامه فلسفه برای کودکان

فلسفه برای کودکان در آغاز امر به عنوان برنامه ای ابداعی در دوران تحصیل ، به منظور افزایش مهارت های استدلال طراحی شده بود و به دنبال آن سعی داشت عناصر شناختی مربوط به عملکرد دانشگاهی را بهبود بخشد.

امروزه این برنامه هم چنین به عنوان شیوه ای برای گسترش ارزشهای ،اخلاقی اجتماعی و به ویژه مردم سالارانه تلقی میشود به این ترتیب میتوان فلسفه در کلاس درس را از لحاظ بعضی مهم ، فکری، اخلاقی و اجتماعی تعلیم و تربیت ارزشیابی کرد دو روش اصلی برای ارزشیابی برنامه فلسفه برای کودکان و گردآوری شواهدی مبنی بر پیشرفت در بحث فلسفی وجود دارد، یکی این که معلم به ارزیابی عملکرد دانش آموزان بپردازد و دیگر این که دانش آموزان و شرکت کنندگان در بحث به «خود ارزیابی» بپردازند. روند کار در ارزیابی کلاس درس توسط دانش آموزان به این صورت است که هر کدام از دانش آموزان نظر خود را ابراز میدارد و در پایان همگی به یک توافق جمعی در زمینه موفقیت پیشبرد جامعه پژوهشی دست مییابند. بنابراین ارزشیابی در این برنامه بر مبنای اصل دموکراسی و توافق جمعی استوار است.^{۱۱}

^۹ همان

^{۱۰} همان

^{۱۱} گریگوری، ۱۴۰۰



فلسفه برای کودکان در مدارس ابتدایی فهرستی از پیشرفت در موارد زیر را نشان داده است: خواندن، تفکر خلاق و انتقادی، عزت نفس، اعتماد و استقامت، به علاوه روابط بین، شخصی، مخصوصاً در گوش دادن به نقطه نظرات دیگران. هم چنین یافتند که فبک موجب کاهش عصبانیت و تحقیر کردن دیگران در جمع، هدایت به سوی تعامل گروهی حمایتی شده است. در نهایت گروه های فیک سطح بالاتر انگیزش، شجاعت، تعهد و تمرکز را در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند. به علاوه استدلال، داوری و تمیز را به کودکان یاد میدهد، آن ها را قادر میسازد خودشان برای خودشان فکر کنند و برای خودشان تصمیم بگیرند.^{۱۲} هم چنین بر ابعاد اجتماعی و عاطفی کودکان، پرورش و توسعه اخلاق، توانایی تشخیص خوب و بد در کودکان افزایش مهارت های استدلالی و قضاوت های، اخلاقی عملکردهای اجتماعی و یادگیری های فردی تأثیر مثبت داشته است. از طرف دیگر فلسفه برای کودکان موجب ارتباط دانش آموزان با مدرسه، معلم و خودشان، اعتماد به نفس، بهزیستی، بهبود نگرش معلم نسبت به یادگیری دانش آموزان کاهش بد رفتاری دانش آموزان، اکتساب مهارت های اساسی درک مطلب در درک زبان عمومی ریاضی و خواندن عمومی رشد، تفکر مهارت های شنیدن، زبان و اعتماد به نفس شده است.^{۱۳}

محتوای برنامه فلسفه برای کودکان

محتوای برنامه فلسفه برای کودکان بوسیله سه منبع داستان کوتاه فلسفی کتاب راهنمای معلمی و معلم تعیین می گردد. داستان فلسفی در برنامه فلسفه برای کودکان یکی از محرک های طبیعی که برای بحث بررسی و مشکل گشایی مورد استفاده قرار میگیرد داستان های فلسفی، است هر چند که در حال حاضر محرک های دیگری از جمله، عکس فیلم نقاشی، شعر، نمایش و.... در این برنامه به عنوان محرک مورد استفاده قرار می گیرند اما داستان های کوتاه فلسفی هم چنان از جایگاه اساسی برخوردارند. یکی از فواید استفاده از داستان این است که داستان، خوب اشتیاق و مشارکت کودکان را بر می انگیزد، اسپیلتر و شارب (۱۹۹۵) معتقدند چون کودکان از داستان لذت میبرند از این طریق میتوان آنها را برای تفکر و سؤال کردن تشویق کرد و در آنها انگیزه لازم را به وجود آورد.

^{۱۲} قائدی، ۲۰۰۹

^{۱۳} نویدیان و همکاران، ۱۳۹۸



کتاب راهنمای معلم: در برنامه فلسفه برای کودکان به منظور تسهیل کندوکاو فلسفی در کلاسهای درس کتابهای راهنمایی جهت کمک به معلمان تدوین شده است. این کتابها پیشنهادهایی را درباره اینکه چگونه میتوان یک درس فلسفی را عرضه کرد بدست میدهند و شامل اصول اساسی است که معلم برای هدایت یک بحث فلسفی در کلاس درس باید آنها را بیاموزد و به آنها کمک میکند که چگونه طرحهای بحث و تمرینهای موجود در منابع ارائه شده برای کلاس فلسفه را مورد استفاده قرار دهند. معلم برنامه فلسفه برای کودکان معلمان را ملزم میکند که از نظر تربیتی قوی باشند و به عنوان کسانی که صرفاً آموزش را تسهیل کنند عمل نمایند این برنامه ایده معلم به عنوان یک متخصص را رد میکند نقش معلم تسهیل کننده و کمک کننده و راهنمای بحثهای دانش آموزان در کلاس درس است.^{۱۴}

فلسفه برای کودکان در ایران

در کشور ما برنامه آموزش فلسفه به کودکان نخستین بار در سال ۱۳۷۳ شمسی توسط بنیاد حکمت اسلامی صدرا به منزله یک طرح هدفدار شناخته شد و در همان تاریخ گروه فلسفه و کودک در این بنیاد پایه گذاری گشت؛ ولی بعدها مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های دیگری نیز پژوهش‌هایی را در این زمینه آغاز کردند.^{۱۵}

در ایران توجه علاقه‌مندان از جمله دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، استادان و دانشجویان به این برنامه جلب شد، که به دنبال آن پژوهشگاه علوم انسانی و بنیاد حکمت صدرا، تحقیقاتی را در این زمینه انجام دادند، که بدین شرح است:

- تحقیقات دکتر یحیی فائدی (استادیار دانشگاه عملی طرح توسط دکتر رضاعلی نوروزی استاد دانشگاه اصفهان و خانم نگین درخشنده بر روی ۱۰۲ دانش آموز در یک دبستان پسرانه در ناحیه ۳ اصفهان پژوهش‌ها و فعالیت‌های عملی در شهر تهران توسط آقای سعید ناجی مدیر گروه فلسفه کودک در پژوهشگاه علوم انسانی تربیت معلم تهران) که رساله دکتری خود را با عنوان مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان، به این موضوع اختصاص داده است؛

- انجمن علمی توسط دکتر رضاعلی نوروزی استاد دانشگاه و خانم نگین درخشنده بر روی

۱۰۲ دانش آموز در یک دبستان پسرانه در ناحیه ۳ اصفهان؛

^{۱۴} سیدکلان و خدیوی، ۱۴۰۱

^{۱۵} شریفی اسدی، ۱۳۸۷، ص ۹۷



- پژوهش‌ها و فعالیت‌های عملی در شهر تهران توسط آقای سعید ناجی (مدیر گروه فلسفه

و کودک در پژوهشگاه علوم انسانی)

فواید فلسفه برای کودکان

فلسفه به گفته سقراط حکیم، جست‌وجوی حقیقت است و فیلسوف، دوست‌دار حقیقت؛ و هنگامی که از فلسفه برای کودکان سخن می‌گوییم، این معنا را دنبال می‌کنیم که به کودک یاری دهیم تا در جست‌وجوی حقیقت باشد و این ممکن نمی‌شود مگر زمانی که کودک، اندیشیدن (به معنای عام) و اندیشیدن برای خود (به معنای خاص) را بیاموزد.^{۱۶}

هدفی که فلسفه برای کودکان دنبال می‌کند هدایت کودکان به سویی است که با دید تیزبین و نقادانه خود، موشکافانه همه چیز را بررسی کنند و با ارتقای سطح تفکر، به آنها کمک کند تا حقیقت را دریابند و بتوانند مسائل و مشکلات خود و جامعه اطراف خود را حل کنند.^{۱۷} به تعبیر دیگر هدف این برنامه، اصلاح وضعیت آموزشی و تربیتی کودکان است؛ به گونه‌ای که فراگیری درس‌ها از روش تقلیدی کنونی به روش اجتهادی و انتقادی دگرگون شود. در صورت اجرای درست این برنامه، توانایی‌هایی برای کودک به ارمغان می‌آیند که نه تنها در پیشرفت تحصیلی او، که در کل جریان اجتماعی‌اش تأثیرگذار خواهند بود. بدین ترتیب کودک به گونه‌ای بار می‌آید که در برابر شبهه‌های دینی به آسانی فریب نخورد و از سوی دیگر هر خرافه‌ای را نیز به نام دین نپذیرد.^{۱۸}

از دیگر اهداف این برنامه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. پرورش قدرت تفکر چندبعدی در کودکان که در نتیجه آن توانایی استدلال، داوری، خلاقیت‌های فکری و تفکر دقیق در آنها پرورش یابد؛
۲. تربیت مردان و زنانی که در پیچ و خم‌های زندگی ماشینی و الکترونیکی امروز با حجم بالای اطلاعات و فناوری بتوانند در زندگی روزمره‌شان، بر سر دوراهی‌ها، تصمیم‌های درست بگیرند؛
۳. مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری، انعطاف‌پذیری و درونی شدن رفتارهای اخلاقی در کودکان.^{۱۹}

^{۱۶} بنیاد علمی حکمت صدر، ۱۳۸۴، ص ۳

^{۱۷} همان ص ۳

^{۱۸} شریفی اسدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰

^{۱۹} حسینی، ۱۳۸۹، ص ۹۴.



با اجرای این برنامه، کودکان به انسان‌هایی متفکرت‌تر، انعطاف‌پذیرتر، باملاحظه‌تر و منطقی‌تر تبدیل می‌شوند. فراگیری بسیاری از مهارت‌ها و نیز ایجاد تمایل برای استفاده از این مهارت‌ها، از طریق زبان و با ایجاد یک «اجتماع پژوهشی» (جایی که کودکان به‌منزله اقدامی مشارکتی به تبادل نظر با هم‌دیگر می‌پردازند) به بهترین شکل ممکن، امکان‌پذیر است.^{۲۰}

دکتر رضاعلی نوروزی و خانم نگین درخشنده طی یک دوره کار فلسفی با دانش‌آموزان ابتدایی در شهر اصفهان به این نتیجه رسیدند که فلسفه به کودکان کمک می‌کند تا در زندگی روزمره از قضاوت‌های صحیح‌تر بهره‌مند شوند. مهارت‌ها و توانایی‌هایی که در پرتو اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در آنان ایجاد می‌شود از این قرارند: مهارت خواندن برای فهمیدن، جست‌وجوی مسئله، فهم قضاوت‌ها و احکامی که صادر می‌شوند، پرسیدن، خویشنداری، انسجام فکری، مشاهده تناسب‌ها، ارتباط برقرار کردن میان امور مورد مطالعه، تمرکز یافتن روی مسئله مورد بحث، طبقه‌بندی کردن، ارائه دلیل، صورت‌بندی معیارها و استفاده از آنها، نگرستن به مسائل از منظر وسیع‌تر، استفاده از مثال، تحلیل جملات و عبارات، مطالعه و ادراک پیش‌فرض‌ها، ساخت و ارائه توصیف‌ها و تبیین‌ها، کشف جانشین‌ها، دریافت دلالت‌ها، تعمیم دادن، گوش دادن فعال، سعه صدر، بی‌طرفی، مشارکت کردن در ایده‌پردازی‌ها و تفکرات، مسائل را از دید دیگران دیدن، احترام گذاشتن به دیگران، شجاعت فکری پیدا کردن، بازنگری خود و اصلاح خویشتن. کسب همه این مهارت‌ها در گرو یادگیری تفکر فلسفی است که محور برنامه فلسفه برای کودکان است.^{۲۱}

از جمله فواید دیگر این طرح می‌توان به بالا رفتن سطح فکری کودکان، و بهبود کیفیت درسی دانش‌آموزان در مدارس در همه دروس اشاره کرد.^{۲۲} فلسفه، کنجکاوی بچه‌ها را برای استدلال، حل مشکل، تصور و خلاقیت برمی‌انگیزد؛ مهارت‌های ارتباطی آنها را رشد می‌دهد و بدین ترتیب می‌توانند حرف بزنند، گوش دهند و نوبت بگیرند. فلسفه به آنها زبان گفت‌وگو و چگونگی برقراری ارتباط را می‌آموزد، و یاد می‌گیرند شهروندی با اخلاق باشند و مسئولیت اعمال و عقاید خود را بپذیرند.^{۲۳}

۵. ضرورت اجرای طرح فلسفه برای کودکان

^{۲۰} فیشر، ۱۳۸۵، ص ۲۶۸

^{۲۱} نوروزی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱

^{۲۲} هینز، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸.

^{۲۳} اعلائی، ۱۳۸۵، ص ۴۰



قدرت تمیز، داوری و استدلال، اهمیتی انکارناپذیر در زندگی فردی و جمعی دارد. نقش این امور در تفاهم میان شهروندان و مردم کشورهای مختلف و نشان دادن «گفت‌وگو» به جای «نزاع» در درون و بیرون تمدن‌ها را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.^{۲۴}

داشتن ذهن خلاق و جست‌وجوگر با توانایی‌های بالای حل مسئله و تحقیق برای جمعیت هر کشوری می‌تواند متضمن اقتدار ملی آن کشور در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... باشد، با وجود این، حتی در گروه‌های فلسفه دانشگاه‌های ما نیز بسیاری از دانشجویان فاقد قدرت تمیز، داوری و استدلال هستند و با وجود شرایط و برنامه‌های آموزشی حاضر، بعید به نظر می‌رسد به این توانایی‌ها دست یابند. البته این معضل به کشورهای جهان سوم محدود نمی‌شود، بلکه در کشورهای پیشرفته و غربی نیز این امر محسوس بوده است.^{۲۵}

ظاهراً سخن کانت درباره فکر، آویزه گوش اندیشمندان غربی بوده و آنها را به فکر و تکاپو انداخته است. تأکید کانت این بود که «اگر غفلت و نادانی را ترجیح دهیم، همواره آدم‌هایی پیدا می‌شوند که دوست دارند به جای ما فکر کنند». از اینرو اندیشمندان و فلاسفه این کشورها مدتی است که دست‌به‌کار شده‌اند و در این مدت تلاش‌های بسیاری کرده‌اند.^{۲۶} اما ورود فلسفه به زندگی روزمره و عمق بخشیدن به آن، صرفاً با آموزش مکتب‌های فلسفی ممکن نمی‌شود. پس برای وارد کردن عمق فلسفی به زندگی روزمره مردم، به راه‌های دیگر نیاز است. برای این کار باید روشی تربیتی ابداع کرد که به مردم و شهروندان بیاموزد فلسفی فکر کنند، نه اینکه مکاتب فلسفی را به حافظه بسپارند؛ اما چون برای تقویت توانایی‌های ذهنی و استدلالی افراد، دوران دانشگاه بسیار دیرنگام است و اگر روحیاتی همچون کنجکاوی در دوران کودکی تقویت نشود، بلکه با آموزش‌هایی از بین برود، دیگر در بزرگسالی نمی‌تواند احیا شود، در نتیجه این کار یعنی تقویت قوای منطقی و تحلیلی، به همراه ایجاد تعمق فلسفی، باید از دوران کودکی آغاز شود.^{۲۷}

از آنجاکه کودکان ذاتاً پرحرف زاده شده‌اند و بیشتر وقت خود را به صحبت، توصیف، پرسیدن و بحث کردن می‌گذرانند، چنین گفت‌وگو‌هایی ممکن است فکر آنان را تحریک کند و آنان را به توجیه،

^{۲۴} ناجی، ۱۳۸۲، ص ۲۶.

^{۲۵} ناجی، ۱۳۸۷، ص ۱۲.

^{۲۶} همان ص ۱۵.

^{۲۷} ناجی، ۱۳۸۶، ص ۱۴.



استدلال، جست‌وجوی علت‌ها، توضیح حوادث، سازمان دادن و مفهوم بخشیدن به تجربه‌های خویش و دارد. همچنین ممکن است گفت‌وگوهای آنان شامل پاسخ‌های تکراری و نارسا، گفت‌وگوهای طولانی، بیهوده و نسنجیده، و کارها و افکار بی‌مایه باشد. چگونه می‌توانیم پاسخ‌های کلامی سطح پایین کودک را به گفت‌وگو و تفکری سطح بالاتر تبدیل کنیم؟ آیا به چنین کاری نیاز داریم؟^{۲۸}

در راستای نهضت فلسفه کاربردی (فلسفه‌ای که در زندگی مردم کاربرد داشته باشد) و اصلاحات در آموزش و پرورش و در نهایت ارتقای سطح تفکر در فرهنگ عمومی و پژوهش در علوم، شاخه دیگری از فلسفه متولد شد که فلسفه برای کودکان و نوجوانان نام گرفت و از این طریق فلسفه وارد دبستان‌ها و مدارس راهنمایی شد تا به کودکان یاد دهد چگونه خودشان فکر کنند و تصمیم بگیرند و مسائل و مشکلات خود را حتی المقدور خودشان حل کنند.^{۲۹}

اهمیت این برنامه زمانی مشخص می‌شود که می‌بینیم در فرهنگ ما تا چیزی به‌خوبی برای فرد توجیه نشده باشد و شخص درباره آن تردید داشته باشد اجازه انجامش را ندارد (حتی در مسائل خطیری همچون تقلید). باید ابتدا شناخت، تمیز داد، انتخاب کرد، تصمیم گرفت و سپس عمل کرد. ما مسئول اعمال خودمان هستیم و اگر در اخذ تصمیم درست سهل‌انگاری کنیم، مستحق مجازاتیم. در فرهنگ اسلامی ما، مردم با همه وجود، به آگاهی و روشنی دعوت شده‌اند.^{۳۰}

لذا ما به برنامه‌ای که مناسب فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی باشد و قدرت قضاوت درست در دانش‌آموزان را تقویت کند، نیاز داریم. اگر بتوانیم قدرت حل مسئله، استدلال، داوری و تحقیق در همه زمینه‌ها را به کودکان بیاموزیم، این توانایی‌ها می‌توانند زندگی اجتماعی و شخصی فرد را در ابعاد معنوی و مادی ارتقا دهند.^{۳۱}

چنان‌که استاد مطهری می‌گوید:

ما باید نحوه استنباط و قضاوت کردن را به کودکان یاد بدهیم تا بتوانند از لحاظ فکری تا آنجا که ممکن است مستقل بار بیایند. اگر فرد «دهن‌بین» بار بیاید، در کنار احتمال‌های بسیار زیاد فقط

^{۲۸} فیشر، ۱۳۸۵، ص ۲۶۶

^{۲۹} ناجی، ۱۳۸۶، ص ۱۵

^{۳۰} همان، ص ۱۸

^{۳۱} همان ص ۲۱



یک احتمال وجود دارد که به ذهن آدم‌های خوب نگاه کند؛ احتمال بیشتر این است که به ذهن افراد سوءاستفاده‌گر، رسانه‌های سکولار غربی و... نگاه کند؛ ولی اگر بتواند بین آرای مختلف تمییز قایل شود، مطمئناً به سوی بهترین گزینه خواهد رفت و در کل زندگی دنیوی و اخروی، بهترین گزینه را انتخاب خواهد کرد.

به همین جهت، این برنامه که همه دغدغه‌اش و داشتن افراد و شهروندان به تأمل و تفکر در خود و امور و نشانه‌های اطراف خود است و به زندگی فرد عمق و غنا می‌بخشد، برای کشور ما به شدت مورد نیاز است.^{۳۲}

موانع اجرای طرح و راهکارهای آن

هر طرحی در آغاز شکل‌گیری و اجرا با موانع و مشکلاتی روبه‌روست. طرح آموزش فلسفه و کودک نیز از این امر مستثنا نیست. با توجه به اینکه این طرح با موجودی زنده، پویا، در حال رشد و تکامل و در عین حال آسیب‌پذیر سروکار دارد، هر آنچه حیات طبیعی و رشدش را بر هم زند و به او صدمه وارد کند، آسیب به شمار می‌آید و باید مورد بررسی قرار گیرد تا از پیامدهای احتمالی ناشی از آن جلوگیری شود.

یکی از آسیب‌های مهمی که در آغاز کار باید به آن توجه شود، شتابزدگی در اجرای طرح است. در این راستا آمادگی و پذیرش اجتماعی در عملی شدن این طرح، چنان اهمیت دارد که اگر پذیرش از سوی اجتماع صورت نگیرد، پیامدهایی جبران‌ناپذیر بر جای خواهد گذاشت. لذا این طرح نیز مانند دیگر برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت، نیازمند مطالعه، پژوهش و تعمق بسیاری است تا به ناهماهنگی در بخش‌ها و عدم اجرای صحیح طرح، یا به بن‌بست رسیدن و تردید جامعه درباره آن منجر نشود. پذیرش اجتماعی با آموزش و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات، آموزش و پرورش همگانی و... می‌تواند به موفقیت در اجرا و اثربخشی طرح کمک کند.^{۳۳}

در این آموزش، خانواده‌ها باید به این نگرش برسند که در قبال فرزند نقاد و پرسشگر، چه موضعی داشته باشند و چطور بتوانند فرزندانشان را در رشد فکری همراهی کنند. گفتنی است که اگر خانواده‌ها با

^{۳۲} ناجی، ۱۳۸۶، ص ۱۵

^{۳۳} تاج‌بخش، www.w.pac.org.ir



این طرح به درستی آشنا نشوند، ممکن است گله‌مند شوند که با اجرایی شدن طرح، فرزندم پرتوقع بار آمده و پیوسته در حال پرسیدن، دلیل خواستن و دخالت در هر امری است؛ درحالی‌که اگر خانواده‌ها با دید صحیح به این طرح بنگرند و بپذیرند که کودکان با شرکت در این کلاس‌ها، به رشد فکری رسیده و از استقلال فکری برخوردار شده است، از طرح استقبال خواهند کرد.^{۳۴}

آموزش کودکان توسط مربیان ورزیده در این طرح از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر آموزش کودکان را مربی ناآزموده و غیرحرفه‌ای بر عهده گیرد که با مهارت‌های فلسفی تفکر و استدلال و به چالش کشیدن آنها در این زمینه آشنا نیست و ناشیانه عمل می‌کند و یا خود عامل به علم خویش نیست، ضایعه‌ای بر جای خواهد گذاشت که جبران آن به‌سادگی امکان ندارد و اثرات آن سال‌ها در زمینه تربیتی و آموزشی، به‌طور کاملاً محسوس بر جای خواهد ماند. بنابراین در ابتدا، تربیت مربی ورزیده و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف آموزش فلسفه و کودک در اولویت است؛ زیرا مربی به‌منزله نخستین پایه بحث در کلاس، مجری و هدایتگر این طرح، نقش کلیدی را ایفا می‌کند.^{۳۵}

مراحل کار (شیوه اجرایی) در کلاس فلسفه برای کودکان

هیچ‌گونه طرح درس از پیش‌تعیین‌شده‌ای برای آموزش P4C وجود ندارد؛ زیرا ما نمی‌دانیم دانش‌آموزان چه پرسش‌هایی خواهند داشت. فقط یک مجموعه قواعد کلی برای ایجاد پرسش، ایجاد احترام مقابل، چینش کلاس، خوب گوش دادن، گسترش درک، جست‌وجوی معنا، تقویت استدلال، پرورش اعتماد به نفس (صحبت در جمع و احساس داشتن فکر مستقل و منحصر به فرد بودن) و غیره وجود دارد که به آن می‌پردازیم.^{۳۶}

به طور خلاصه آنچه در یک کلاس آموزش فلسفه انجام می‌شود (فرایند برنامه فلسفه برای کودکان) به صورت مراحل زیر است:

۱. تشکیل حلقه دانش‌آموزی به منظور تسهیل بحث میان دانش‌آموزان و جلوگیری از خودمحوری: باید افراد به شکل دایره‌ای طوری بنشینند که همه به راحتی یکدیگر را مشاهده کنند. مراقب باشید کودکان

^{۳۴} همان

^{۳۵} همان

^{۳۶} نیکبخت، ۱۳۸۴، ص ۲۴



خارج از دایره نشینند؛ جایی که بتوانند از فعالیت یا گروه فاصله بگیرند. خود را در محلی از دایره قرار دهید که بتوانید به راحتی به تخته دسترسی داشته باشید.^{۳۷}

۲. هریک از دانش‌آموزان بخشی از متن آموزشی را قرائت می‌کند؛

۳. معلم از دانش‌آموزان درباره محتوای متن قرائت‌شده پرسش‌هایی مطرح می‌کند که چه نکته درخور توجه و پرسش‌انگیزی در آن وجود دارد. دانش‌آموزان باید تشویق شوند تا نکات خود را به صورت پرسش مطرح کنند. کلیه پرسش‌های مطرح‌شده به همراه نام پرسشگر بر روی تخته نوشته می‌شود.^{۳۸}

۴. پرسش‌ها دسته‌بندی می‌شوند تا مهم‌ترین و اصلی‌ترین آنها (که با برنامه تطابق بیشتری دارد) از پرسش‌های ساده و نیز پرسش‌هایی که پاسخ به آنها یا بسیار سخت است یا با توجه به شرایط مخاطبان، امکان‌پذیر نیست، جدا شوند. معلم باید حوصله و پرهیز از شتاب‌زدگی را در دانش‌آموزان تشویق کند؛ زیرا بعضی از پرسش‌ها پیچیده و دشوارند و به آسانی قابل پاسخگویی نیستند.^{۳۹}

۵. آنچه معلم در زمینه بحث درباره پرسش‌های گزینش‌شده انجام می‌دهد، صرفاً نقش ایجاد هماهنگی و خط‌دهی دارد، نه منبع دانش. برخی تکنیک‌های سودمند در این مرحله عبارت‌اند از: دادن وقت بیشتر به دانش‌آموزان جهت تفکر بیشتر، اجتناب از ارائه توضیحات داورمآبانه، معماسازی، کاربرد مدبرانه پرسش‌هایی که راه را برای حرکت‌های اندیشمندانه هموارتر می‌کند و موجب توجه دانش‌آموزان به فرا اندیشه می‌شود.^{۴۰}

۶. دانش‌آموزان با یکدیگر بحث می‌کنند و فرایند مباحثه و مواجهه فکری برای بچه‌ها رفته‌رفته به صورت ملکه در می‌آید. ایشان کمک فکر کردن را احساس می‌کنند و خود شروع به اندیشیدن می‌کنند. نتیجه این نوع کلاس‌ها و مباحثه‌های کلاسی برانگیختن قابلیت‌ها در کودکان است که امروزه با عنوان مهارت تفکر شناخته می‌شود. در مهارت تفکر، کودکان می‌آموزند که چگونه افکار و ایده‌ها را مورد

^{۳۷} کم، ۱۳۷۹، ص ۱۵)

^{۳۸} محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹)

^{۳۹} مرعشی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴)

^{۴۰} محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹)



تبیین، بررسی و بحث قرار دهند. با طی مراحل این طرح، دانش‌آموزان از اندیشه‌ای کارا و پربصیرت برخوردار می‌شوند.^{۴۱}

۷. در هر گروه پژوهش، قوانینی وضع، و از آنها تبعیت می‌شود. این قوانین معمولاً در نخستین جلسات درس مورد توافق قرار می‌گیرند.

۷-۲. چرا از روش داستان استفاده می‌کنیم؟

از زمان سقراط خردجویی به معنای گفت‌وگو و تبادل افکار دانسته شده است. فلسفه با شگفتی و جست‌وجو برای یافتن پاسخ اساسی‌ترین پرسش‌ها درباره زندگی انسان، از طریق گفت‌وگو آغاز می‌شود. کودکان نیز می‌توانند در گفت‌وگو درباره پرسش‌های عمیق و معماگونه شرکت کنند. همان‌گونه که ویگوتسکی و دیگر متخصصان نشان داده‌اند، کودکان وقتی در موقعیت‌های جمعی و گروهی قرار بگیرند، می‌توانند عملکردهای ذهنی بالاتر از حد انتظاری داشته باشند. هدف لیپمن بهره گرفتن از انگیزه‌های اجتماعی کودکان و استفاده از گفت‌وگو به‌منزله وسیله‌ای برای پرورش فکری آنهاست؛ اما چگونه می‌توان کودکان را درگیر مباحث فلسفی کرد.

لیپمن به این نتیجه رسید که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است. او به این منظور کتاب داستان کوتاه، ویژه کودکان را نوشت.^{۴۲} او برای آموزش فلسفه به کودکان به این روش عمل می‌کند که از طریق بحث، درباره فصل منتخبی از کتاب داستان، بچه‌ها را با موضوعات فلسفی آشنا می‌کند.^{۴۳}

وی بیان کرد که برای تهیه موضوعات قابل فهم و مخاطب‌پسند، باید متون درسی را به صورت داستان نوشت.^{۴۴}

یکی از مزیت‌های اصلی استفاده از داستان به‌منزله محرکی برای اندیشیدن در کلاس درس، این است که داستان خوب توجه کودک را جلب، و فکر او را مشغول می‌کند.^{۴۵}

^{۴۱} محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹

^{۴۲} فیشر، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹

^{۴۳} همان، ص ۲۷۳

^{۴۴} ناجی، ۱۳۸۲، ص ۲۶

^{۴۵} . فیشر، ۱۳۸۶، ص ۱۰



در هر زبان، در هر نقطه دنیا، داستان پایه اصلی تفکر و ارتباط است. قدرت داستان در این نکته نهفته است که می‌توان به واسطه آن، دنیایی را برای پژوهش‌های فکری آفرید. ^{۴۶} داستان با اینکه مانند زندگی بشر است، ساختار فکری دارد. داستان‌های جذاب و شخصیت‌های آن، برای کودکان بسیار باورپذیرتر و واقعی‌تر از سفارش‌های اخلاقی و تربیتی مجرد و ذهنی هستند ^{۴۷} کودکان، داستان را بخشی از واقعیت می‌پندارند که می‌توانند به آن تکیه کنند و به تدریج می‌آموزند که داستان را می‌توان ساخت، عوض کرد و یا دوباره آفرید. بازخوانی و بازسازی داستان یکی از راه‌های استفاده از داستان در بحث‌های فلسفی است. ^{۴۸}

استفاده از داستان و سبک حکایی برای به چالش کشیدن تفکر، از دیرباز کانون توجه بوده است. انسان به سبب ویژگی‌های خاص روحی‌اش، به قصه علاقه دارد و چه بسا راه و رسم قهرمانان آن را الگوی خود قرار می‌دهد. پس با قصه نه تنها می‌توان انسان را با میراث فرهنگی و آداب جامعه خود و جهان آشنا ساخت و قدرت تفکر او را پرورش داد، بلکه می‌توان زمینه خودسازی و جامعه‌سازی را در او برانگیخت ^{۴۹}

برنامه فلسفه برای کودکان، از ابزار داستان و سبک حکایی برای رشد فکری کودکان استفاده کرده است؛ همچنان‌که کتب آسمانی در راستای تعلیمات خود و به منظور برانگیختن و هدایت قدرت تفکر، از ابزار داستان و قصه بسیار سود جست‌ه‌اند. ^{۵۰}

اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در زمینه فلسفه برای کودکان کار می‌کنند، استفاده از داستان را در کلاس‌های تحقیق و پژوهش جمعی در مدارس توصیه می‌کنند و آن را بهترین وسیله برای ایجاد پرسش‌های فلسفی و پژوهشی در کلاس می‌دانند. داستان‌ها هیجان فراوانی را در بچه‌ها ایجاد می‌کنند و جذابیت ویژه‌ای دارند و به آن «تحریر فیلسوفانه» که تفکر را به دنبال دارد و مد نظر مربیان است دامن می‌زنند. ^{۵۱}

^{۴۶} یاب، ۸۲، ص ۱۱۸

^{۴۷} همان ص ۴

^{۴۸} بنیاد علمی صدرا، ۱۳۸۴، ص ۸۰

^{۴۹} اسکندری، ۱۳۸۶، ص ۳۰.

^{۵۰} (همان، ص ۲۶).

^{۵۱} حسینی، ۱۳۸۹، ص ۹۷



همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، لیپمن به این نتیجه رسید که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان و درگیر کردن آنان با مباحث فلسفی، استفاده از داستان است.^{۵۲} او به این منظور داستان‌هایی در پنج محور اخلاق، مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، زیباشناسی، و منطق نوشت.^{۵۳}

به نظر او، اگر بخواهیم کودکانمان در آینده به بزرگسالانی اندیشمند تبدیل شوند، باید آنان را تشویق کنیم تا کودکانی اندیشه‌ورز باشند و از طریق ترغیب کودکان به اندیشیدن و تشویق به بحث کردن، یعنی با واداشتن آنان به گفت‌وگو دربارهٔ جوانب مختلف امور، می‌توان به این هدف دست یافت.^{۵۴}

نتیجه:

در پایان می‌توان گفت ما به این نتیجه رسیدیم که جامعه موفق جامعه‌ای است که به آموزش مهم‌ترین سرمایه‌های خود یعنی کودکان توجه ویژه دارد و مهم‌ترین بخش آموزشی که تاثیر گذار در تمامی حیطه‌های عملیاتی آموزشی و پرورشی‌ای است مبحث فلسفه است و بهترین زمان آموزش فلسفه در دوران کودکی است. ما باید در اجرایی کردن این برنامه از دستگاه رسانه نهایت استفاده را ببریم زیرا ابزاری است که زمان قابل ملاحظه‌ای از زندگی کودکان را به خود اختصاص داده است. برای مثال با ساخت یک بازی که دارای مراحل فلسفی و داستانی است می‌توان اثر فوق‌العاده‌ای بر پیکره جامعه کودک بگذاریم. از طرفی در صورتی که در زمینه داستان قوی کار کنیم، می‌توانیم از دوران کودکی، پیوندی بین کودک و کتاب برقرار کنیم. کتاب قوه خیال کودک و ذهن کنجکاو او را پرورش می‌دهد. ما به نویسندگان خلاق نیازمندیم که با عینک کودکان به جهان بنگرند و روش تفکر خلاق و نقادانه را به آنان بیاموزند. زیرا کودکان آینده جامعه را می‌سازند و نحوه تفکر آنها بسیار مهم است. باید از کودکی آنها را با کار گروهی و جمعی آشنا کنیم تا در بزرگسالی بتوانند تفکرات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

^{۵۲} فیشر، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹

^{۵۳} نیکبخت، ۱۳۸۷، ص ۴

^{۵۴} فیشر، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲



منابع:

۱. اکبری، احمد؛ جاویدی کلاته جعفر آبادی طاهره شعبانی ورکی، بختیار و تقوی، محمد. (۱۳۹۱). فلسفه برای کودکان (P4C) مضامین فلسفی در داستانهای متون کلاسیک ادب فارسی. دوفصلنامه علمی تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال، شماره ۲، صص: ۱۲۵-۱۱۴
۲. اسکندری حسین و ژاله کیانی ۱۳۸۶، تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسشگری دانش آموزان، مطالعات برنامه درسی، ش ۷، صص ۳۶-۱.
۳. بنیاد علمی حکمت صدرا، ۱۳۸۴، فلسفه و کودکان، ویژه نامه فلسفه برای کودکان، ش ۱، صص ۳.
۴. تاج بخش، فرزانه، ۱۳۸۹، آسیب شناسی طرح آموزشی فلسفه و کودک، - ۱۳۸۹، (مصاحبه)، تهران.
۵. حسینی، زهره، ۱۳۸۹، فلسفه و کودکان، خردنامه صدرا، ویژه نامه دهمین سالگرد انتشار
۶. خشنود، سمانه؛ قاسمی، سهیلا، ۱۴۰۱ فلسفه برای کودکان
۷. ستاری، علی و توازیانی زهره (۱۴۰۰) فلسفه برای کودکان در تراز دانش فلسفه و جواز تربیت اسلامی. مجله آموزه های فلسفه اسلامی شماره ۲۹، صص ۸۲-۵۷
۸. سیدکلان، سیدمحمد و خدیوی اسداله (۱۴۰۱) پدیدار نگاری برنامه فلسفه برای کودکان (P4C) در آموزش ابتدایی ایران (سیاستگذاری، راهبردها و عمل). مجله پژوهشهای فلسفی شماره ۳۸، صص: ۶۱-۳۳.
۹. شریفی اسدی، محمدعلی، ۱۳۸۷، نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالشهای فراروی آن، معارف عقلی، ش ۱۰، صص ۱۱۴-۹۵.
۱۰. صادقی هاشم آبادی، محمد و علوی، سید محمد کاظم (۱۳۹۳) فلسفه برای کودکان اسلام و پژوهشهای تربیتی، سال ۶، شماره ۲، صص: ۵۹۷۸
۱۱. طباطبایی، زهرا و موسوی، مرضیه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در پرسشگری و تفکر انتقادی دانش آموزان پایه های سوم تا پنجم ابتدایی (۹-۱۱ ساله دبستان علوی شهر ورامین تفکر و کودک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات، فرهنگی سال ۲ شماره ۱، صص: ۷۳-۹۰



۱۲. فتحی، لیلا احقر قدسی و نادری عزت الله. (۱۳۹۷). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) به روش پژوهش مشارکتی بر روابط میان فردی دانش آموزان فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۱، صص: ۵۱-۶۴.

۱۳. فیشر، رابرت، ۱۳۸۵، آموزش تفکر به کودکان ترجمه دکتر مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، تهران، رسش. - ۱۳۸۶، داستانهایی برای فکر کردن ترجمه سیدجلیل شاهی لنگرودی تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۴. فائدی، یحیی، ۱۳۸۴، اصول فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سنجش

۱۵. کم، فیلیپ، ۱۳۷۹، داستانهای فکری (۱) کتاب راهنمای معلم ترجمه احسانه باقری، تهران، امیرکبیر.

۱۶. گریگوری، مون. (۱۴۰۰) فلسفه برای کودکان کتاب راهنمای کارورزان مترجمان غلامحسین شاهینی و حدیث جهانیان، تهران نشر شهرتاش

۱۷. محمدزاده، رضا، (۱۳۸۴)، آموزش فلسفه به کودکان ویژه نامه فلسفه و کودکان، ش ۱، ص ۴۰-۳۵.

۱۸. مرعشی، سیدمنصور، حقیقی، جمال، بنابی مبارکی، زهرا و کیومرث بشلیده، ۱۳۸۶، بررسی تأثیر اجتماع پژوهشی بر پرورش مهارتهای استدلال در دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی، مطالعات برنامه درسی، ش ۷، ص ۱۲۲-

۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶ ت ۱، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا-۱۳۸۷، کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان گفت و گو با پیشگامان انقلابی نو در تعلیم و تربیت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۰. نویدیان، انور؛ واحدی، شهرام فتحی، آذر، اسکندر و بدری گرگری رحیم. (۱۳۹۸) تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستانهای بومی در رشد اخلاقی دانش آموزان ابتدایی فصلنامه علمی تدریس، پژوهی سال ۷، شماره ۳-۱۳۸۳ مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان، تهران، دواوین. بررسی



۲۱. ناجی، سعید، ۱۳۸۶، بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان مطالعات برنامه درسی، ش ۷، ص ۱۵۰-۱۲۳ - ۱۳۸۴، مفهوم فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان نامه علم و دین، ش ۲۸، ص ۳۷-۶۷.

۲۲. نوروزی، رضاعلی و نگین درخشنده، ۱۳۸۶، بررسی اثرات کار فلسفی با کودکان از دیدگاه دانش آموزان مدارس ابتدایی شهر اصفهان، نوآوریهای آموزشی، ش ۲۳، ص ۱۴۶-۱۲۳-۱۳۸۷، داستانهای فکری برای کودکان ایرانی (۱) اصفهان، در دست انتشار.

۲۳. نیکبخت، مهدی، ۱۳۸۶، کندوکاو فلسفی بر اساس فرهنگ ایرانی، ویژه نامه فلسفه و کودک، ش ۲، ص ۳۳-۲۴. ۱۳۸۹، آموزش حکمت به دستداران آن : ملانصرالدین و نوجوان فیلسوف، اصفهان، در دست انتشار. - ۱۳۸۹، (مصاحبه)، اصفهان.

۲۴. یاب، ایریس، ۱۳۸۲، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه مسعود حاجی زاده، تهران